



Positivist Voluntarism Based on the Principle Derived from Verse 23 of Surah Al-Jathiya

(A Case Study of the Imposed War of the US and Israel against Iran)

Fatemeh Zand-Aghtaei

Level 4 Graduate (Ph.D. equivalent) of Imam Hossein Seminary, Yazd; Ph.D.
in Quran and Sciences, specialization in Law.

Abstract:

Verse 23 of Surah Al-Jathiya presents a Qur'anic foundation for the principle of refraining from following caprice (*hawā al-nafs*). An exegetical analysis of this verse reveals that when carnal desires assume the position of the authority to be obeyed by man, they function as an object of worship, and the one who inclines to such a disposition becomes vulnerable to epistemological and moral decline. This notion, however, is not confined to the individual dimension but also encompasses society and governments. Based on this foundation, the present study demonstrates that voluntarism in positivist law - particularly when reduced to human self-sufficiency and the primacy of his will - constitutes a form of that same following of caprice. The consequences of this approach in the international arena include interest-seeking devoid of commitment to human rights, hegemonic domination based on instrumental rationality, and repeated violations of treaties. An examination of concrete instances of violence and aggression against civilian targets by certain states confirms that when will and interest replace value and duty, the legal structure that claims morality assumes a contradictory function. The present study concludes that a re-reading of the Qur'anic principle of "non-following of caprice" can provide a human-centered, ethics-oriented, and criticizable framework in contrast to legal voluntarism and its hegemonic consequences.

Keywords: Verse 23 of Surah Al-Jathiya, Caprice, Voluntarism, Interest-seeking Imposed War.





اراده‌گرایی پوزیتیویستی بر اساس قاعده‌ی منتج از آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی جاثیه (مورد پژوهی جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل علیه ایران)

فاطمه زنداقطاعی

0000-0003-2317-3652 

طلبه سطح ۴ مدرسه علمیه امام حسین علیه السلام یزد، دکتری قرآن و علوم گرایش حقوق.

چکیده

آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی جاثیه، مبنای اسلامی برای خویشنداری و کنترل هوای نفس ارائه می‌کند. تحلیل تفسیری آیه آن است که وقتی خواسته‌های نفسانی، مرجع اطاعت انسان شوند، کارکرد معبود را می‌یابند و او را در معرض سقوط معرفتی و اخلاقی قرار می‌دهند. البته این باور منحصر به جنبه‌ی فردی نیست؛ بلکه جامعه و حکومت‌ها را نیز دربرمی‌گیرد. بر این اساس پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اراده‌گرایی در حقوق پوزیتیویستی، به‌ویژه آنجا که به خودبنیادی انسان و اصالت خواست او تقلیل می‌یابد، صورتی از همان تبعیت هوای نفس به شمار می‌آید. پیامدهای این رویکرد در عرصه‌ی بین‌الملل عبارتند از: منفعت‌طلبی فاقد التزام به حقوق بشر، سلطه‌طلبی مبتنی بر عقلانیت ابزاری و نقض مکرر معاهدات. بررسی نمونه‌های عینی خشونت و تجاوز علیه اهداف غیرنظامی برخی دولت‌ها مؤید آن است که هنگامی که خواست و منفعت، جایگزین ارزش و تکلیف می‌شود، ساختار حقوقی مدعی اخلاق، کارکردی متناقض می‌یابد. مطالعه‌ی حاضر نتیجه می‌گیرد که بازخوانی اصل قرآنی «عدم تبعیت از هوای نفس» می‌تواند چارچوبی انسان‌مدار، اخلاق‌محور و نقدپذیر در برابر اراده‌گرایی حقوقی و پیامدهای سلطه‌جویانه‌ی آن فراهم کند.

واژگان کلیدی: آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی جاثیه، هوای نفس، اراده‌گرایی، منفعت‌طلبی، جنگ

تحمیلی.

مقدمه

انسان‌ها برای پایداری روابط خود، قواعدی می‌گذارند و با پایبندی به آن، شاکله‌ی اجتماعی خود را حفظ می‌کنند. منشأ و مبدأ این قواعد اجتماعی را مکاتب فکری تشکیل می‌دهند که مبانی فکری حقوق اجتماعی خوانده می‌شوند. امروزه باتوجه به رشد جریان پوزیتیویسم (اصالت حس و تجربه) قواعد حقوقی واقعیت‌هایی نیستند که انسان آن را کشف یا استنتاج کند بلکه گزاره‌های انشایی محضند که محصول اراده‌ی انسان و مشخصاً دولتند (دانش پژوه، ۱۳۹۰، ص ۱۰۷؛ جاوید، ۱۳۹۶، ص ۱۴۸).

پوزیتیویسم قائل به قانونگذار است و به صورت نظریه‌ی دولتی کردن حقوق در میان سایر نظریه‌ها جایگاهی یافته است. علاوه بر آن راه را برای قدرت اراده باز می‌گذارد بدون آن که به آن، جهت دهد یا کنترل کند یا خوی آن را معین نماید. در نتیجه قانونگذار دارای قدرت مطلق و اراده‌ی بی‌حد و مرز می‌شود. از این رو هر جا اراده، قاعده‌ای وضع نکرده باشد حقی وجود ندارد (فلسفی، ۱۳۹۳، ص ۳۸-۴۱). از طرف دیگر می‌تواند آن را به علم غیر ارزشی که هدفی جز تأمین منافع مادی هرچه بیشتر و تحقق خواست‌ها و امیال و غرایز انسان‌ها یا حاکمان و صاحب منصبان ندارد، مبدل گرداند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۷۹). چون فرض در این مکتب بر این است که هیچ قانونی را جز آنچه خود دولت‌ها بخواهند به آن پایبند باشند نمی‌توان بر آن‌ها تحمیل کرد (رک. ابراهیمی و حسینی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۸۴). با توجه به این رویکرد اراده‌گرایی مطلق انسانی در روابط اجتماعی بدون شاخص‌گذاری و تعهد به ارزش‌ها خواهد بود. از این رو در این پژوهش تلاش بر این است که با تکیه بر اصل



اراده‌گرایی پوزیتیویستی بر اساس قاعده‌ی منتج از آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی جائیه...

قرآنی عدم تبعیت از هوای نفس، اراده‌گرایی در روابط حکومت‌ها نقد و بررسی شده و از رهگذر آن، برای تبیین بهتر بحث، نمونه‌های از جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل علیه ایران ذکر شود.

انجام این پژوهش از آن جهت ضرورت دارد که نشان می‌دهد قواعد اخلاقی و تربیتی قرآن، منحصر به رفتارهای فردی انسان نیست بلکه در نگاه کلان، جوامع انسانی و حکومت‌ها را نیز دربرمی‌گیرد. در واقع شناخت سیر تاریخی جریان استعماری کشورهای غربی و سلطه بر کشورها و منافع آن‌ها نوعی هواخواهی و فرصت‌طلبی است که با ترفندهای گوناگون انجام می‌گیرد؛ از جنگ و غارت تا کودتا و انقلاب‌های مخملی که هریک سبب تضعیف و رکود کشورها و ملت‌ها شده است. از این رو بایسته است بنیان نسبی‌گرایی غرب افزون بر نقد در حوزه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و نظامی، از ابعاد اخلاقی و تربیتی نیز مورد بررسی قرار گیرد.

مقالات سابق بر با این موضوع در چند دسته جای می‌گیرد که برخی مرتبط با سوره‌ی جائیه است؛ از جمله «اصطلاح‌شناسی الوهیت هوای نفس در آیه‌ی ۴۳ فرقان و ۲۳ جائیه» از فتح‌الله نجارزادگان، فاطمه نجارزادگان و مریم اقبالیان. برخی در نقد اراده‌گرایی است از جمله: «نقد مکتب تحقیقی در مبنای حقوق ازمنظر قرآن کریم» از سعید داوودی که به بررسی و نقد مبانی حقوقی پوزیتیویسم از نگاه قرآن می‌پردازد.





برخی در نقد منفعت‌گرایی است از جمله: «تحلیل انتقادی منفعت‌گرایی اخلاقی در دیدگاه جان استوارت میل از منظر علامه جعفری» نوشته‌ی ابوذر رجبی سید حسین شمس‌اللهی، انسان محوری، جریان تنازع در بقا، اصالت لذت و اصالت منفعت را از مبانی منفعت‌گرایی ذکر نموده آن را باعث انحراف و تباهی بشریت معرفی می‌کند.

نگاه اجتماعی به تبعیت از هوای نفس نیز در یک مقاله با عنوان «تأثیر هوای نفس در فتنه‌های عصر امام علی (علیه السلام)» از محمدعلی ریاحی و سید رضا موسوی مطرح شده است. نویسندگان با بیان چهار تمایل نفسانی بغی، عدوان، شهوت و طغیان که در ایجاد فتنه‌های عهد امام علی (علیه السلام) نقش ایفاء نمودند را با نگاه اجتماعی بررسی کردند.

اما پژوهش پیش‌رو با رویکرد تحلیلی و تفسیری، ابتدا به دریافت قاعده از آیه‌ی ۳ سوره‌ی جاثیه اشاره نموده و سپس دلالت‌ها و پیامدهای حاصل از آن را بیان می‌کند و با تعمیم بر روابط اجتماعی، جریان اراده‌گرایی غرب را با ذکر مثال مورد نقد قرار می‌دهد.

۱. قاعده‌گزینی از آیه‌ی ۲۳ جاثیه: اصل عدم تبعیت از هوای نفس

۱.۱. دلالت آیه بر قاعده

آیه‌ی شریفه: «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (جاثیه: ۲۳)؛ پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته، گمراه گردانیده و بر



گوش او و دلش مَهر زده و بر دیده‌اش پرده نهاده است؟ پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی‌گیرید؟

در تبیین دلالت آیه بر اصل عدم تبعیت از هوای نفس باید گفت مفسران متعدد «اله» را چنین معنا کرده‌اند: «آیا دیده‌ای کسی که دین خود را خواسته‌اش قرار دهد» یا «آیا دیده‌ای کسی را که معبود خودش را به دلخواه خود تعیین کند» یا «آیا دیده‌ای کسی که تسلیم هوای نفس خود باشد» (طبرسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶۰). «المیزان» نیز معنای گرفتن اله را پرستیدن ذکر نموده که مراد از پرستش هم اطاعت کردن است (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۸، ص ۲۶۳).

در واقع آیه‌ی شریفه نقطه‌ی کانونی غایت انسان در دنیا را همان طلب معبود دانسته و آن را بر مدار هواخواهی ذکر نموده و با ذکر پیامدهای آن، انسان را به پندگیری وادار می‌کند؛ یعنی اوج توجه و سمت‌وسوی آدمی را که گرفتن معبود باشد، نشان داده و آن معبود، هوای نفس و خواسته‌ی دل استغ یعنی تبعیت از این دل‌بخواهی، انسان را در حد مشرک و کافر تنزل می‌دهد. علاوه بر آن «اتخاذ الهه» نشان می‌دهد که پذیرش این هواخواهی چه پیامدهایی در زندگی دنیایی و اخروی دارد؛ لذا با استفهام انکاری مخاطب را به تأمل وادار می‌کند: «أَفَلَا تَذَكَّرُونَ».

علاوه بر آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی جاثیه که مبنای استنباط این پژوهش است، آیات دیگری نیز مؤید این اصل هستند؛ از جمله: «أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا» (فرقان: ۴۳).



همچنین در برخی آیات نیز نهی از تبعیت از هوای نفس ذکر شده است: «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (ص: ۲۶) و نیز: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ» (نازعات: ۴۰).

لذا این تبعیت نه تنها به بیان شرع که حتی به حکم عقل نیز امری نکوهیده و مذموم است. لذا آیهی شریفه متذکر این اصل در رفتارهای انسانی است. اصل بودن آن از این جهت است که می‌توان آن را به عنوان دستورالعمل کلی در نظر گرفت که مبنای عمل یا ترک عمل قرار گیرد. از این رو دارای دو جنبه‌ی فردی و اجتماعی است.

۲.۱. گستره‌ی اجتماعی تبعیت از هوای نفس

بعد از بیان دلالت آیه لازم است به این نکته توجه شود که تبعیت از هوای نفس صرفاً جنبه‌ی درونی و فردی ندارد بلکه اگر جامعه‌ای بنیان فکری افراد خود را بر تبعیت از هواهای نفسانی بگذارد، عواقب آن، جامعه را نیز در برخواهد گرفت. مؤید آن را می‌توان در آیات زیر یافت:

وقتی قرآن این عواقب را به صورت جمع ذکر می‌کند مانند: «حَتَّمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَ عَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَ عَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (بقره: ۷) یا آن جا که از تبعیت نهی نموده و پیامدهای آن را گوشزد می‌کند مانند آیه ۱۳۵ نساء: «فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۷۶). همچنین در آیه‌ی «... وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ» (جاثیه: ۲۳) که

اراده‌گرایی پوزیتیویستی بر اساس قاعده‌ی منتج از آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی جاثیه...



می‌گوید اگر هواپرستی حاکم شد، علم از کارآیی می‌افتد. مراد از علم در اینجا علم الهی نیست بلکه دانایی فرد است که ملازم با عمل او نیست. به این دلیل که نمی‌تواند از هوای نفس صرف‌نظر کند پس ملتزم به مقتضا و لوازم علم خود نیست. پس چنین علمی باعث اهتدای او نمی‌شود، بلکه چنین علمی در عین این که علم است ضلالت هم هست (رک. همان، ج ۱۸، ص ۲۶۴).

این عواقب از آنجا که از تمایلات برمی‌خیزد بر جنبه‌ی شناختی انسان نیز اثر می‌گذارد و می‌تواند جامعه‌ای را در خود فروبرد. علاوه بر آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی جاثیه، در چند جای قرآن پس از تبعیت از هوای نفس، ضلالت آمده است مانند: «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (ص: ۲۶)؛ «... وَ مَنْ أَضَلَّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ ...» (قصص: ۵۰)؛ «... وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ...» (ص: ۲۶). اینجا ضلالت ضد رشد و هدایت است و انسان را از مسیر الهی دور می‌کند.

اثر بعدی آن تبعیت از هوای نفس، کوردلی و کورفهمی است که در سوره‌ی بقره آمده است: «وَ خَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً» (جاثیه: ۲۳).

ختم بر گوش و قلب و چشم می‌تواند نشانه‌ی کفر باشد. برخی مفسران هم اشاره می‌کنند که اینان دیگر حق را نمی‌پذیرند؛ گویی قلبشان مهر شده و ایمان داخل آن نمی‌گردد. همچنین ختم قلب کنایه از کم‌عمقی و کوتاه‌بینی در نظر و استدلال است. به این معنی که دل‌های اینان وسعت فکر و منطق و نظر را ندارد (طبرسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۸ تا ۷۰). به تعبیر دیگر عقل و چشم و گوش دارند، ولی قدرت درک و دید و شنوایی ندارند! چرا که



اعمال زشت و لجاجت و عنادشان پرده‌ای شده در برابر این ابزار شناخت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۸۲).

غیر از این آیه‌ی شریفه که عواقب هواپرستی را ذکر می‌کند، آیات دیگری نیز مؤید این موضوع هستند از جمله: اعراف / ۱۷۶، نساء / ۱۳۵، ص / ۲۶ و طه / ۱۶. طبق این آیات گمراهی، از دست دادن ابزار شناخت حق، نادیده گرفتن آن، بی‌توجهی به امر هدایت، شرک عملی، هدف‌گذاری دنیایی، شاخص‌گذاری زندگی بر عقل ناقص انسانی و... زمینه‌ی انحرافی بزرگی در فکر و عقیده ایجاد نموده که به رفتار نیز سرایت می‌کند.

با توجه به آنچه گفته شد اگر در جامعه‌ای آگاهی و علم باشد ولی نخبگان و کارگزاران به هوای نفس اولویت دهند، این خطا به دیگر اعضای جامعه نیز تسری می‌یابد. این عواقب صرفاً خطای اعتقادی نخواهد بود بلکه سیر فکری ایجاد می‌کند که عقل بشری (rationalism) را به تنهایی و مستقل از وحی الهی، قادر به قانونگذاری می‌داند. همچنین انسان خردگرا (humanism) را معیار همه‌ی ارزشمندی‌ها قرار می‌دهد. سپس این انسان دامنه‌ی عملکرد خود را در روش‌ها و نگرش‌ها بر بیشترین آزادی (liberalism) تعریف می‌کند. از این رو دیگر ضوابط دین و باید و نبایدهای وحیانی در حوزه‌ی اجتماعی را نمی‌پذیرد و اندیشه‌ی جدایی دین از دنیا (secularism) را رقم می‌زند.

البته تبعات این موضوع در همین موارد خلاصه نمی‌شود؛ بلکه بخش زیادی از ابزار شناختی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد به خصوص اگر حکومتی بنیانش را بر چنین تفکری بگذارد. نمونه‌های این اراده‌گرایی را در رفتارهای دوگانه‌ی آمریکا و اسرائیل می‌توان دید.

۲. اراده‌گرایی حقوق پوزیتیویستی با تبعیت از هوای نفس ۱.۲. منفعت‌طلبی بدون رعایت حقوق بشری

یکی از ابعاد اراده‌گرایی، منفعت‌طلبی‌های بی‌حد و حصر بدون در نظر داشتن قواعد انسانی است. این منافع در موضوعات مختلفی مصداق پیدا می‌کند؛ مثلاً یک کشور برای گردش کارخانه‌ها، رشد صنایع، نگه‌داشتن خود در هرم قدرت نیازمند تأمین انرژی است که این انرژی در دیگر کشورها یافت می‌شود. سپس برای به دست آوردن آن، اقدام نظامی کرده و پایگاه ایجاد می‌کند که مهمترین تضمین در سلطه بر انرژی است. تجاوز و تعدی به خاک کشور دیگر با هدف دستیابی به منابع آن، در کنار حمله به بیمارستان و مدرسه و مناطق مسکونی هیچ منطق شرعی و عقلی ندارد؛ مانند حمله‌ی آمریکا به مدرسه‌ی شجره‌ی طیبه‌ی میناب در ۱۴۰۴/۱۲/۹ با شهادت ۱۶۸ دانش‌آموز، حمله به بیمارستان گاندی تهران در ۱۴۰۴/۱۲/۱۴، حمله به مناطق مسکونی مانند شهرک پردیسان قم در ۱۴۰۵/۱/۷ و... که همگی نمونه‌های تعدی و زیرپا گذاشتن حقوق اولیه‌ی بشر هستند. اما جالب آن که همین بنیانگذاران حقوق بشر وقتی پای منافع به میان می‌آید دچار خودفراموشی حقوقی می‌شوند. این اولین بار نیست که این کشورها علیه دیگر جوامع اقدام می‌کنند. بلکه تاریخ شاهد است که سال‌ها استعمار و استثمار منافع ملت‌ها و کشورها در دستور کار آنها بوده است (شهبازی، تاریخ زرسالاران یهود، ج ۱، ص ۱۵۰ تا ۱۹۰). آنها همچنین با به دست گرفتن مالکانه‌ی جریان اطلاعات در فضای اینترنت یا به تعبیری استعمار دیجیتال، تلاش دارند مدیریت



جهانی خود را گسترش داده و این فضا را تبدیل به عرصه‌ی یک‌تازی برای منافع خود نمایند (رک. شاکری، ۱۴۰۱، ص ۷-۱۱).

۲.۲. تکیه بر عقل ابزاری (راسیونالیسم)

جریان سلطه‌گری غرب با در دست داشتن عقل ابزاری بر پایه‌ی مادی‌گرایی، تلاش کرده هویتی مستقل از ارزش‌های انسانی برای خود ایجاد کند. علاوه بر آن نسی‌گرایی عقلانیت ابزاری سبب شده به صورت رابطه‌ی ابزاری مطرح شود و همه چیز را ماشین‌وار و بر پایه‌ی قواعد علم تجربی تحلیل کند و به جای آن که انسان را مالک تکنولوژی بداند، او را تابع و اسیر تکنولوژی فرض کند (رک. مقدمی، ۱۳۹۱).

برای نمونه آمریکا در حمله‌ی نظامی علیه ایران (۱۴۰۴-۱۴۰۵) ابتدا با آوردن ناوهای بزرگ هواپیما و جنگنده بر مانند جرالند فورد، ابراهام لینکن برای تهدید و تحریک و به هراس انداختن طرف مقابل در آب‌های خلیج فارس (رک. خبرگزاری تابناک، ۵ بهمن ۱۴۰۴) و استفاده از جنگنده‌های فوق پیشرفته ای مانند f-۳۵ و f-۱۶ و... که به تعبیر خودشان کاملاً پنهان و رادارگریز هستند، ظرفیت رسانه‌ای ویژه‌ای را در هراس‌افکنی ایجاد کرد تا بتواند هیمنه‌ی خود را با این ادوات نشان دهد (خبرگزاری فارس ۱/۱/۱۴۰۵). ورود این ناوها که نماد قدرت آمریکا و سبب به هم زدن معادلات امنیتی منطقه است و مواردی از این قبیل که ابزاری برای نشان دادن سلطه‌ی خود و ضعیف نشان دادن طرف مقابل است، مشخص کرد که به کار



اراده‌گرایی پوزیتیویستی بر اساس قاعده‌ی منتج از آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی جاثیه...

گرفتن عقل ابزاری برای رسیدن به اهداف دنیوی با ابزار تکنولوژی، صنعت، بدون در نظر داشتن اهداف عالیه‌ی انسانی چیزی جز تبعیت از هواهای نفسانی نیست.

۳.۲. نقض تعهدات و معاهدات بین‌المللی

از ویژگی‌های هواخواهی حکومت‌ها، نقض تعهدات بین‌المللی و بی‌توجهی به مفاد پیمان‌نامه‌هایی است که برای صلح حاکم بر بشریت تصویب شده است. البته دور از ذهن نیست که این معاهدات، از سوی وضع‌کنندگان نقض شود. برای نمونه در جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل علیه ایران در تیر و اسفند ۱۴۰۴ چندین معاهده‌ی بین‌المللی نقض شده است:

۱. نقض بندهای ۱۳ تا ۲۷ کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو که تلاش کرده حقوق بشردوستانه را احیا کند، بر حمایت از شهروندان یک کشور در زمان جنگ (رک. کنوانسیون ژنو، ۱۲ اوت ۱۹۴۹).
۲. نقض بندهای صلح منشور سازمان ملل در عدم رعایت حقوق بشر و به هم زدن صلح جهانی و تهدید تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورها (ماده‌ی ۴ تا ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵).
۳. نقض اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر با نادیده انگاشتن احترام جهانی و عدم رعایت واقعی حقوق بشر (رک. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸).



۴. نقض قطعنامه‌ی ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل که تجاوز را به عنوان استفاده از نیروی مسلح توسط دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر تعریف می‌کند و هرگونه توجیهی را برای آن رد می‌کند.
۵. نقض حقوق بشردوستانه (IHL) و

۴.۲. فریب ذهنی رسانه‌ای در محق بودن

یکی از ابزارهای مهم در ذهن گردانی جوامع، استفاده از ابزارهای رسانه است؛ به ویژه رسانه‌های امروزی که تأثیری شگرف در تغییر ذهنیت نسبت به امور شناختی دارند و با انواع تکنیک‌های اقناع و فریب می‌توانند حقیقت را ضد حقیقت و دروغ را واقعیت جلوه دهند. ایجاد سطوح پروپاگاندا یعنی شرطی‌سازی فرهنگی، حواس‌پرتی‌های فرهنگی و کنترل رسانه‌ای ابزارهای دستکاری‌های ذهنی هستند که به قدرتمداران اجازه می‌دهد منافع خود را پیش ببرند. (رک. مک گی، ص ۲۶).

در واقع سال‌ها دولتمردان آمریکا برای ایجاد شورش و مخالفت و تغییر حکومت‌ها دروغ‌هایی ساختند و روی رسانه‌ها سرمایه‌گذاری نمودند. نمونه‌ی آن، سال‌ها تلاش رسانه‌ای در حمله به ایران به بهانه‌ی داشتن سلاح هسته‌ای برای دست‌درازی به منابع این کشور بود که سال‌ها روی آن سرمایه‌گذاری شده بود. به خصوص که در جنگ ۱۲ روزه (تیر ۱۴۰۴) با حمله به مراکز هسته‌ای اذعان نمودند که سلاح‌های هسته‌ای ایران را نابود کردند. سپس

اراده‌گرایی پوزیتیویستی بر اساس قاعده‌ی منتج از آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی جاثیه...

مجدداً با حمله در اسفند ماه ۱۴۰۴ و شهادت مقام معظم رهبری تلاش کردند نظام و حاکمیت را در ایران از بین ببرند.

نتیجه

آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی جاثیه، با تکیه بر عبارت «اتَّخَذَ إِلَهُهُ هَوَاً»، اصلی قرآنی مبنی بر پرهیز از تبعیت هوای نفس را بنیان می‌نهد. آیات دیگری چون ۴۳ فرقان، ۲۶ ص و ۴۰ نازعات نیز این رویکرد نکوهشگرانه نسبت به هواپرستی را تأیید نموده و آن را امری عقلانی و شرعی معرفی می‌کنند. این اصل، مبنایی کلی برای سنجش رفتار انسانی است. بر این اساس، اراده‌گرایی در حقوق پوزیتیویستی، با تقلیل انسان به خواسته‌های صرف، صورتی از همین هواپرستی است که پیامدهای آن منفعت‌طلبی، عقلانیت ابزاری، خودبرتربینی و نقض تعهدات است. آنچه گفته شد شمه‌ای از رفتارهای دولتمردان و نظام حاکمیتی غرب است بر پایه‌ی هواخواهی و تبعیت از سیستم منفعت‌گرایی غرب برای پیشبرد مقاصد خودخواهانه؛ به گونه‌ای که گاهی تا نابودی نسل و حرث پیشرفته و از هر وسیله‌ی ممکن برای این امر استفاده نموده است. نمونه‌ی آن را می‌توان در ویرانی و کشتار مردم بی دفاع غزه و حمله به ایران و لبنان و... مشاهده نمود.



منابع *قرآن کریم

۱. ابراهیمی، محمد، حسینی، علیرضا. **اسلام و حقوق بین الملل عمومی**، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۵.
۲. **اعلامیه جهانی حقوق بشر**، ۱۰ دسامبر/۱۹۴۸.
۳. جاوید، محمد جواد. **مکاتب فلسفه حقوق**، تهران: انتشارات خرسندی، جاوید، ۱۳۹۶.
۴. جمعی از نویسندگان. **درسنامه فلسفه حقوق**، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
۵. خبرگزاری تابناک، www.tabnak.ir، ۱۴۰۴/۱۱/۵.
۶. خبرگزاری فارس، <https://farsnews.ir>، ۱۴۰۵/۱/۱.
۷. دانش پژوه، مصطفی. **مقدمه علم حقوق**، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۹۰.
۸. شاکری، محمدعلی. بررسی وضعیت سلطه آمریکا بر فضای مجازی با تمرکز بر لایه خدمات، **نشریه مطالعات راهبردی آمریکا**، شماره ۶، ۱۴۰۱.
۹. طبرسی، فضل بن حسن. **تفسیر مجمع البیان**، تهران: نشر فراهانی، بی تا.
۱۰. طباطبائی، محمدحسین. **المیزان**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۱. فلسفی، هدایت الله. **حقوق بین الملل معاهدات**، تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۳.
- کنوانسیون ژنو، ۱۲ اوت ۱۹۴۹.
۱۲. مک گی، کریک. **پرچم‌های دروغین** (جنگ روانی و کنترل ذهن)، ترجمه‌ی محمدحسین قربانی زواره، تهران: شناخت پژوه، بی تا.
۱۳. مک‌کرم شیرازی، ناصر. **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱.
۱۴. مقدمی، ساجده. **عقلانیت ابزاری و عرفی، تأملی در مبانی فکری غرب (۶)**، خبرگزاری دانشجو، ۱۳۹۱.
۱۵. **منشور سازمان ملل**، ماده ۴۱، ۴، ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵.

